

ارزیابی تحقق سیاست کلی نظام (چشم‌انداز) در بخش مسکن نمونه: حفظ حرمت و ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری

ابوالفضل مشکینی* - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس
موسی پهلوان درینی - دانش آموخته ی مقطع کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۲

چکیده

از نخستین مراحل زندگی بشر تا به امروز، مسکن همواره یکی از نیازهای اساسی انسان بوده است. تأمین مسکن مطلوب نیازمند اتخاذ سیاست‌های مناسب بوده که در ایران سیاست‌های کلی نظام در بخش مسکن چشم‌انداز توسعه بخش مسکن محسوب می‌شود. سیاست رعایت ارزش‌های فرهنگی و حفظ حرمت خانواده در ساخت مسکن به‌عنوان راهنمای دستگاه‌های اجرایی، تقنینی، و نظارتی یکی از سیاست‌های کلی نظام در بخش مسکن محسوب می‌شود. هدف از این پژوهش ارزیابی میزان تحقق سیاست کلی نظام در زمینه ارزش‌های فرهنگی مسکن در ابعاد تدوین قوانین و مقررات، اجرای قوانین، و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات موردنیاز به‌صورت اسنادی و از طریق اطلاعات کتابخانه‌ای (کتاب، پایان‌نامه، و مقالات) و همچنین اطلاعات و آمارهای رسمی شهرداری، وزارت راه و شهرسازی، و شورای عالی شهرسازی و معماری جمع‌آوری شده است. در بخش دوم، برای پشتیبانی از تحلیل اسنادی، آرای سی نفر از متخصصان امر به کمک ابزار پرسش‌نامه اخذ شد. برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی شاخص ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری از آزمون‌های آماری کولموگروف-اسمیرنوف و آزمون t تک‌نمونه‌ای (one sample T test) استفاده شد.

نتایج آزمون حاکی از آن است که بعد تدوین قوانین سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری از وضعیت مطلوبی برخوردار است؛ اما وضعیت بعد اجرایی سیاست کلی ارزش‌های فرهنگی مسکن نامطلوب ارزیابی شد. در زمینه بعد نظارت بر اجرای قوانین سیاست ارزش‌های فرهنگی، نتایج تحقیق حاکی از آن است که این بعد نیز وضعیت مطلوبی ندارد و به‌صورت جدی موردتوجه دستگاه‌های ناظر قرار نگرفته است.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های فرهنگی، تحقق‌پذیری، مسکن شهری.

مقدمه و بیان مسئله

مفهوم مسکن، علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را دربر می‌گیرد و دارای مقوله‌ای گسترده با ابعادی متنوع و فراتر از یک سرپناه فیزیکی است. همچنین، در دومین اجلاس اسکان بشر^۱ که در سال ۱۹۹۶ در استانبول برگزار شد، مطرح گردید که مسکن مناسب فقط به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست؛ مسکن مناسب یعنی آسایش، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست‌محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه؛ همه این موارد با توجه به استطاعت مردم تأمین می‌شود (پورمحمدی، ۱۳۹۳: ۳). در نظام اسلامی از مسکن به‌عنوان محل آرامش و سکونت یاد شده است. چنان‌که آیه ۸۰ سوره نحل نیز می‌فرماید: خداوند خانه‌هایتان را جایگاه آرامش و سکون قرار داده است (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). از این رو، در ساخت مسکن مسلمان در بُعد کیفی لازم است آرامش و آسایش روحی و مادی خانوار موردعنايت ویژه قرار گیرد. از طرفی، آموزه‌های اسلامی درباره ساخت مسکن ضوابط و معیارهایی را مطرح می‌کند که مسکن فقط به‌صورت تک‌بنا مطرح نبوده، بلکه مسکن را در حوزه مجموعه شهری تا تک‌بنا پوشش داده و مسکن و انسان را در توده‌های انسانی و مجموعه‌های ساختمانی تشریح می‌نماید (امین‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱).

سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیط مفروض بوده که از تلاش برای هویت‌یافتن (حس تعلق به مکان) ناشی شده است (اخوت و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۵). شهر می‌تواند محیطی برای تجلی هویت و ارزش‌های منبعث از اعتقادات، جهان‌بینی و فرهنگ ساکنان و پدیدآورندگان خود باشد. در ساخت مورفولوژیک شهرها عوامل مختلفی نقش دارند، مانند دین، فرهنگ، و ایدئولوژی نظام‌های حاکم. در واقع، شهر بر پایه جهان‌بینی ساخته می‌شود و عالی‌ترین نمود اشغال و تصرف فضا بر مبنای عقیده و ایده است و اگر این چشم‌انداز را یک نظام مهم که ارزش‌های جامعه را نشان می‌دهد در نظر بگیریم، می‌تواند بازگوکننده هویت و اعتقادات مردم یک ناحیه باشد. از این رو، مکان زیست خانواده به‌عنوان اصل بی‌بدیل در شهرسازی و ساخت فضاهای سکونتی مورد توجه قرار می‌گیرد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴). از لحاظ قانونی نیز بر ضرورت تأمین این نیاز تأکید شده؛ چنان‌که اصل ۳۱ قانون اساسی داشتن مسکن مناسب را حق هر ایرانی می‌داند و درون این اصل دولت را موظف نموده با رعایت تقدم نسبت به تأمین مسکن گروه‌های هدف اقدام نماید. از این رو، کاربرد اصول و ارزش‌های اسلامی در ساخت محیط مسکونی مدنظر بوده و دسترسی به این نیاز مهم ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

توجه به ارزش‌ها و فرهنگ در برنامه‌ریزی شهری و ساخت شهر سبب ایجاد کالبد هماهنگ و متعادل می‌شود و تأثیر بسزایی در احساس وحدت و همدلی، تجانس اهل شهر، احساس یگانگی با جامعه، فقدان احساس غربت، و رشد و تعالی افراد جامعه از لحاظ فرهنگی خواهد داشت (نصیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱). رعایت ارزش‌های فرهنگی در معماری و ساخت شهر بر زیبایی و تناسب و تعادل و توازن محیط تأثیر دارد و تناسب محیطی در آرامش و احساس امنیت و فقدان فشارهای عصبی بر انسان نقش ایفا می‌نماید (نقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲). همچنان‌که کوین لینچ پنج محور-سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت، و اختیار- را از محورهای اصلی کیفیت یک سکونتگاه شهری می‌داند که در این محورها بر عملکردهای حیاتی، انسان‌محوری، ارزش‌ها و مفاهیم جامعه، و ساختارهای فرهنگی تأکید شده است (لینچ، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

اسلام نیز دربرگیرنده بسیاری از اصولی است که برای انطباق زندگی مسلمانان با محیط خود ایجاد شده است. دین اساس جهان‌بینی دینی را تشکیل می‌دهد و این اصول نظام راهنما یا جهت‌دهنده‌ای بوده که محتوا، جهت عمل و شیوه زندگی انسان را مشخص می‌کند. پیروی از جهان‌بینی و اصول آن سبب ایجاد محیط‌های هماهنگ اجتماعی و فیزیکی می‌شود (مشکینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱). رعایت ارزش‌های اسلامی عامل مهمی در خوانایی فضاهای شهری، برآوردن نیازهای ساکنان، پایداری اجتماعی، و ایجاد محیط مطلوب به حساب می‌آید و نقش عمده‌ای در حفظ منزلت خانواده خواهد داشت که نادیده گرفتن این اصول محیط‌های نامتجانس را شکل خواهد داد. در ایران نیز ارزش‌های فرهنگی و مسائل اعتقادی در همه عرصه‌های اجتماعی از جمله شهرسازی و در شکل‌گیری فضاهای مختلف و به‌خصوص فضاهای مسکونی تأثیر بسزایی دارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱). درواقع، معماری ایرانی که مبتنی بر تفکر اسلامی و احترام‌گذاردن به حقوق شهروندی همسایگی و محلی است یکی دیگر از مصادیقی است که توجه به این موضوع را ضروری می‌سازد (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۲).

توجه و برنامه‌ریزی در این زمینه در هر جامعه‌ای به‌عنوان یک ضرورت مطرح بوده و باید در جهت رسیدن به وضع مطلوب در این زمینه برنامه‌های مدون و سیاست‌های مناسبی اتخاذ کرد. در ایران سیاست‌های کلی نظام در بخش مسکن ذیل امور زیربنایی طبقه‌بندی می‌شود که این سیاست‌ها در راستای دستیابی به یک هدف راهبردی و مشخص یعنی سند چشم‌انداز بیست‌ساله قرار می‌گیرد که به‌عنوان راهنمایی جهت بررسی عملکرد مورد استفاده قرار گرفته و دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ بسیار مهم و به‌عنوان یک ضرورت مطرح است. رسیدن به چشم‌انداز در گرو تحقق سیاست‌های مناسب است. درواقع، تا زمانی که سیاست‌ها به‌طور کامل اجرا نشده تحقق چشم‌انداز ترسیم‌شده نیست. یکی از سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش مسکن، که در سال ۱۳۸۹ ابلاغ شده، رعایت ارزش‌های فرهنگی و حفظ حرمت و منزلت خانواده در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری است. این سیاست کلی نظام در راستای تجلی کالبدی به اصول و ارزش‌های برگرفته از تعالیم اسلامی و با در دست داشتن الگوی جامع و نیازهای او براساس دیدگاه فلسفی و نظری مشخص از یک سو و شناخت الگوی جامع از سطوح و قابلیت‌های محیط و چگونگی ادراک آن توسط انسان و رابطه آن با نیازهای انسانی از دیگر سو می‌تواند سبب قوت‌بخشیدن به نظریه‌های طراحی و ارتقای کیفیت فضاهای شهری شود. از این‌رو، بسترسازی برای ارتقای شرایط محیط مسکونی به نحوی پایدار و فراگیر در جهت رشد و توسعه، سلامتی، امنیت و امید، و کرامت انسانی برای همه خانواده‌ها اصل اساسی این سیاست کلی نظام است. حال سؤال این است که میزان تحقق این سیاست در کشور به چه میزان بوده است؟

تحقق‌پذیری این نیاز در توسعه شهری را می‌توان در شکل‌گیری شاخص‌های مناسب برای ارزیابی آن و در وهله دوم در قالب تدوین قوانین و مقررات، اجرای برنامه‌ها، و نظارت بر اجرای برنامه‌ها جست‌وجو کرد. تحقق‌پذیری این سیاست گویای نگاه ویژه به منزلت خانواده در مهم‌ترین سکونتگاه بشری بوده و می‌تواند در سایر جوانب اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار باشد. هدف از این پژوهش این است که تحقق سیاست «رعایت ارزش‌های فرهنگی در حفظ حرمت و منزلت خانواده در برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی» مطالعه و بررسی شود تا میزان توجه به این سیاست مشخص شود.

چارچوب نظری پژوهش

تعاریف و مفاهیم

ارزش‌های فرهنگی

براساس تعریفی که در دایرةالمعارف بین‌المللی علوم اجتماعی ارائه شده، واژه «ارزش» ممکن است به علایق، مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها، تمایلات، ترجیحات، وظایف، تعهدات اخلاقی، کمبودها، نیازها، تفرها، جذابیت‌ها، و ویژگی‌های گزینشی دیگر اشاره داشته باشد (بوربور حسین‌بیگی، ۱۳۸۳: ۲۵). از لحاظ لغوی می‌توان ارزش را به این صورت تعریف کرد: هر آنچه مفید، خواستنی، یا تحسین‌کردنی است برای شخص یا گروه و برای آن‌ها دارای ارزش است. درحقیقت، ارزش یکی از عمده‌ترین و بنیادی‌ترین شاخصه‌های تبیین اندیشه و اعمال فرد و نیز ایجاد و تشکیل حیات اجتماعی است. به همین دلیل ارزش‌ها را با عنوان معیارهایی می‌شناسند که به فرهنگ کلی و جامعه مفهوم می‌بخشد (صانعی، ۱۳۷۲: ۲). به‌طور کلی، ارزش‌های فرهنگی عبارت است از مجموعه‌ای از علایق و مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها و تمایلات، ترجیحات، کمبودها و نیازها که متناسب با جهان‌بینی و فرهنگ یک ملت باشد.

امروزه، رشد سریع شهرها و توسعه کالبدی آن موجب بروز بحران‌های مختلف در زندگی شهری نظیر مشکلات محیطی و نزول کیفیت محیط شده است. به دنبال این امر، لزوم توجه به مفهوم کیفیت و ارتقای آن در محیط‌های شهری در کنار توجه به مسائل کمی بیشتر احساس شده است. توجه به ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، و هویتی شهروندان و معیارهای زیباشناختی شهری- که اصلی‌ترین معیارها برای بالابردن کیفیت یک محیط شهری به‌خصوص فضاهای شهری که هسته‌های اصلی و هویتی شهر هستند و توجه به منافع مشترک شهروندان- علاوه بر اینکه نتایج مثبت روانی به دنبال دارد، موجب رضایتمندی شهروندان از فضای شهری و تشویق آنان به حضور بیشتر در فضا می‌شود؛ بنابراین، یکی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی توجه به ارزش‌های فرهنگی شهروندان است (سلطانی، ۱۳۹۲: ۱). مفهوم ارزش نقش حیاتی در ساخت مسکن دارد. توجه به ارزش‌های ساکنان در ساخت خانه برای ارائه مسکن باکیفیت ضروری است. توجه به ارزش‌هایی همچون انعطاف‌پذیری انسان، راحتی و زیبایی‌شناسی، و حفظ حریم خصوصی باعث یکپارچگی خانواده می‌شود. بی‌توجهی به ارزش‌ها و جنبه‌های اجتماعی به‌خصوص در طراحی یک خانه تأثیر منفی در ساکنان دارد. عدم رعایت ارزش‌های ساکنان در ساخت مسکن در ایران زندگی نامناسب و غیرقابل‌قبولی را پیش رو دارد. باین‌حال، مشکلات در شناسایی ارزش‌های خانواده‌های ایرانی به توسعه نامناسب خانه‌ها منجر شده است (مقیم و همکاران، ۲۰۱۶: ۹).

آنچه با مرور همه بحث‌های انجام‌شده درباره ارزش‌های فرهنگی به‌دست می‌آید این است که ارزش‌ها در کانون فرهنگ قرار دارند و نقشی اساسی در رفتار و اعمال اعضای جامعه ایفا می‌کنند. مرور دیدگاه‌های مختلف از قبیل مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، انسان‌شناسی فرهنگی، و بازاریابی به مقوله ارزش‌ها حاکی از نوعی اشتراک در نحوه دید آن‌ها به این مقوله است؛ به‌گونه‌ای که همه آن‌ها بر محوریت ارزش‌ها در فرهنگ و قدرت تبیین‌کنندگی آن‌ها در رفتارهای مختلف اعضای جامعه تأکید دارند. بنابراین، پس از بررسی دیدگاه‌های فوق‌الذکر و با محور قراردادن تعریف مردم‌شناختی «هافتستد» از ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌ها را می‌توان احساسات پایه‌ای و معیارهایی تعریف کرد که فرد یا گروه به کمک آن‌ها به ارزیابی رفتارها، اهداف، اشخاص، ایده‌ها، و در حالت کلی زندگی خود می‌پردازند (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷).

ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری

چیزی که به‌عنوان فرهنگ برشمرده می‌شود (قوانین، ارزش‌ها و ...) فقط بخشی از فرهنگ هر جامعه را تشکیل می‌دهد. فرهنگ بُعد دیگری نیز دارد که از آن به نام بُعد مادی یاد می‌شود و منظور از آن شهر، ساختمان‌ها، بناها، کارخانه‌ها و ... است. درحقیقت، امور مزبور نیز بخشی از فرهنگ یک جامعه را تشکیل می‌دهد، زیرا در ارزش‌ها، باورها، و ... ریشه دارند. فرهنگ تأثیر زیادی در کیفیت فضای مسکونی دارد. شیوه زندگی ساکنان، نحوه تقسیم فضاها، نحوه تعامل و نحوه آماده‌سازی و خوردن غذا در شکل و ظاهر خانه‌ها تأثیر می‌گذارد. همان‌طور که فرهنگ مفهومی پیچیده است و از طریق روش‌های مختلف مفهوم شده است، تجزیه و تحلیل فرهنگی مسکن شامل رویکردهای گوناگونی است، نه یک رویکرد که به‌عنوان یک نتیجه از روش‌های متفاوتی از نسل‌های مختلف پس از نسل مختلف تغییر می‌کند (لو، ۲۰۱۲: ۱).

حلقه ارتباط فرهنگ و ساخت مسکن از همین‌جا مشخص می‌شود. معماری مسکن هنری است که با سازه‌ها و بناها سروکار دارد و سازه‌ها و بناها بخشی از فرهنگ به‌شمار می‌آیند. بنا را به کتاب گردوغبار گرفته‌ای تعبیر می‌کنند که باید به سراغش رفت و آن را مطالعه کرد. بنا ما را از طرز تفکر و فرهنگ سازندگان آگاه می‌کند و نشانه‌ای از هویت جامعه‌ای است که در آن بنا شده است. یک بنا واحد کالبدی است که روح آن تجلی روح فرهنگ و جهان‌بینی جامعه است (نقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳). توجه به ارزش‌ها و فرهنگ در برنامه‌ریزی شهری و ساخت شهر سبب ایجاد کالبد هماهنگ و متعادل می‌شود و تأثیر بسزایی در احساس وحدت و همدلی، تجانس اهل شهر، احساس یگانگی با جامعه، فقدان احساس غربت، و رشد و تعالی افراد جامعه از لحاظ فرهنگی خواهد داشت (نصیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱). رعایت ارزش‌های فرهنگی در معماری و ساخت مسکن بر زیبایی و تناسب متعادل و توازن محیط تأثیر دارد و تناسب محیطی در آرامش و احساس امنیت و فقدان فشارهای عصبی بر انسان نقش ایفا می‌کند (نقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲). کوین لینچ معیارهای اساسی سرزندگی، معنی، تناسب و سازگاری، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت را محورهای اصلی کیفیت محیطی بیان می‌کند (لینچ، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

دیدگاه‌ها و رویکردها

فرهنگ غرب و ساخت محیط مسکونی

ساخت شهرهای غرب از عوامل تاریخی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی تأثیر پذیرفته است؛ به‌نحوی که بسیاری از شهرهای اروپا تنها کانون بزرگ فرهنگی ملت‌های اروپا بوده است. مطالعات هارلن باروز از مکتب شیکاگو درباره شهرهای امریکا، که بعداً به‌وسیله کارل ساور از مکتب برکلی تکمیل شد، نقش گروه‌های فرهنگی، مذهبی، و زبانی را در شکل‌دهی سازمان فضایی - کالبدی (شهر، محله، مسکن) مؤثر می‌داند و معتقد است که چشم‌اندازهای فرهنگی در کالبد چشم‌اندازهای طبیعی و به‌وسیله گروه‌های فرهنگی شکل می‌گیرند. این دیدگاه فرهنگ یک عامل مسلط بوده و منطقه طبیعی به‌مثابه زمینه‌ساز عمل می‌کند. بنابراین، نظام کالبدی الگوها و ویژگی‌های فرهنگ جامعه را تبیین می‌کند (مارتین، ۱۹۷۲: ۲۹۳). میجل کانزن در سال ۱۹۷۸ تفاوت‌های فرهنگی را در داخل شهرها و میان شهرها در شکل‌دهی شهرها به‌عنوان عوامل اصلی ذکر می‌کند. وی، ضمن اشاره به تأثیر داروینیسیم اجتماعی بر زندگی مردم امریکا، به نقش عوامل سیاسی و زمینه‌های فرهنگی در مورفولوژی شهرها نیز اشاره می‌کند.

همه نظریه‌پردازانی که مورفولوژی و نظام اکولوژیک شهرها را در غرب بررسی کرده و از مکاتب گوناگون به تحلیل آن پرداخته‌اند به تأثیر فرهنگ غرب در ساخت‌ها و نظام کالبدی و جدایی‌گزینی اکولوژیکی اشاره مستقیم دارند که از آن جمله می‌توان به رابرت پارک از مکتب شیکاگو، لوییز ورث (جامعه‌شناس شهری)، و آموس هاوولی از مکتب نواکولوژیک اشاره کرد. در این خصوص آرمان‌گرایان برای عامل فرهنگ و ایدئولوژی نقش بیشتری قائل‌اند. امروزه نیز تسلط عامل

فرهنگ و ایدئولوژی را به‌وضوح می‌توان در شهرهای قرون وسطایی، فئودالی، رنسانسی، صنعتی، و فراصنعتی دید (زیاری، ۱۳۸۲: ۵). پرچم‌دار مطالعات مسکن با رویکرد فرهنگی راپاپورت است. این دسته از مطالعات در پی تحلیل فرهنگی رابطه میان خانه (مسکن/ سکونتگاه) و هویت‌اند. در این تیپ از مطالعات بر ابهام مفهوم خانه تأکید می‌شود، زیرا این مفهوم هم به سکونتگاه واقعی اشاره دارد هم به خانه آرمانی. از دیگر صاحب‌نظران غرب که در زمینه نقش ارزش‌های فرهنگی غرب در ساخت محیط مسکونی پرداخته‌اند می‌توان از هایدگر، گیفورد، شولتز، الیاده، هال، نوربرگ، و کوپر نام برد. ماحصل کلام این اندیشمندان نگاه بیش از سرپناه به مسکن و نقش آرامش، آسایش، و مطلوبیت مسکن در زندگی براساس ویژگی‌های ساختاری فرد و جامعه است.

جدول ۱. نقش فرهنگی مسکن از دیدگاه متفکران غرب

صاحب‌نظر	دیدگاه
الیاده (۱۳۸۷)	مستقرشدن معادل با تقدیس است و خانه مقدس است. خانه انسان را از بیرون به درون دعوت می‌کند.
الیاده - شولتز	خانه محل استقرار به معنای قرار یافتن انسان است.
شولتز	سکناگزینی یکی از اساسی‌ترین شروط انسان‌بودن است. خانه مکانی برای آرامش است.
راپاپورت - الیاده	خانه محل سکون و در تقابل با حرکت است.
راپاپورت - شولتز	خانه سکونت خصوصی را سامان می‌بخشد. خانه مامن و محل خلوت است. خانه محلی برای کسب خلوت روزانه است. سکونت پناه‌آوردن و خانه پناه‌دهنده است.
بردلی - شولتز	خانه مکانی برای آسایش است.
هال - شولتز	خانه حافظ حریم و قلمرو است.
هایدگر (۱۳۸۱)	سکناگزیدن به معنای در آرامش قرار گرفتن است.
نوربرگ (۱۳۸۱)	خانه محلی است برای کسب خلوت روزانه به‌منظور بازگشت به خود و ارتباط با خویش.
راپاپورت (۱۳۸۲)	مسکن علاوه بر نیازهای فردی باید قادر به برآورده‌ساختن نیازهای اجتماعی باشد.
هال، راپاپورت، شولتز	خانه تداوم‌بخش شیوه زندگی است.

منبع: بر اساس مطالعات نگارندگان

فرهنگ اسلامی و ساخت محیط مسکونی

دین اساس جهان‌بینی دینی را تشکیل می‌دهد و این نظام راهنما یا جهت‌دهنده‌ای بوده که محتوا، جهت عمل و شیوه زندگی انسان را مشخص می‌کند. پیروی از جهان‌بینی و اصول آن سبب ایجاد محیط‌های هماهنگ اجتماعی و فیزیکی می‌شود (مشکینی، ۱۳۸۷: ۱). رعایت ارزش‌های اسلامی عامل مهمی در خوانایی فضاهای شهری، برآوردن نیازهای ساکنان، پایداری اجتماعی، و ایجاد محیط مطلوب به‌حساب می‌آید و نقش عمده‌ای در حفظ منزلت خانواده خواهد داشت؛ نادیده‌گرفتن این اصول محیط‌های نامتجانس را شکل خواهد داد (نقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱). اسلام نیز دربرگیرنده بسیاری از اصولی است که برای انطباق زندگی مسلمانان با محیط خود ایجاد شده است. یکی از اصول مهم اسلامی اصل «لاضرر و لاضرار» است. براساس این اصل، هیچ فردی نمی‌تواند برای رسیدن به منافع شخصی موجب ضرر رسیدن به دیگران شود. حال این زیان جانی باشد یا مالی یا معنوی و روحی فرق نمی‌کند. قاعده «لاضرر و لاضرار» می‌تواند زیربنای برنامه‌ریزی و ساخت مسکن قرار گیرد. در ساخت محیط مسکونی رعایت محرمیت، حریم خصوصی، سلسله‌مراتب، عدم تجمل‌گرایی، و استفاده پایدار از طبیعت مصداق‌هایی از این قاعده‌اند (سیفیان، ۱۳۷۳: ۳).

مسکن مسلمان نیز به‌عنوان مهم‌ترین عنصر شهری دارای دو بُعد است: یک بُعد آن به سمت نیازهای معنوی و بُعد دیگر آن به سمت نیازهای مادی حرکت می‌کند. مسکن اسلامی نیز فراتر از یک واقعیت عینی است و با فطرت آدمی ارتباط دارد و پاسخ‌گوی نیازهای اساسی مادی و معنوی است. به‌عبارت‌دیگر، اصل رسیدن به کمال مطلوب الهی است

که در نهاد انسان‌ها فطرتاً وجود دارد. معمار و سازنده بنا در ساخت مسکن هدفی جز پرستش ندارد و این اشاره‌ای است به آنکه معمار مسلمان ساخت را امری آیینی می‌داند (بقره: ۱۲۷). خانه، فارغ از ظواهر و پیرایه‌های آن، خواه کاخ باشد خواه کوخ، نعمتی الهی است که باید انسان را به ذکر الهی سوق دهد (اعراف: ۷۴). خانه خود وسیله بوده و هدف محسوب نمی‌شود.

مسکن باید محل و فضای فراهم‌آورنده آرامش و آسایش و سکینه برای ساکن خویش باشد. مسکن نه تنها باید شرایطی داشته باشد تا خانواده‌ها از نظر اقتصادی توان تهیه آن را داشته باشند، بلکه باید شرایطی داشته باشد که بتواند به‌عنوان محل امن و سکنا و آرامش انسان نقش ایفا کند.

با این حال، برای مسکن و عوامل مربوط به مقوله سکونت ویژگی‌هایی ذکر شده که مرئی‌داشتن آن‌ها توصیه شده است. ذکر این نکته لازم است که این ویژگی‌ها مشتمل بر مقولاتی جزئی‌ترند که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: صفات مسکن (مثل امنیت، ایمنی، خصوصیت، آرامش و آسایش)؛ امکانات مسکن (از قبیل زمینه امکان ارتباطات انسان، امکان مرتفع‌شدن نیازهای انسانی، و امکان دسترسی به منابع تأمین‌کننده نیازها)؛ و انتظارات از مسکن با تأثیرگذاری مسکن در مقولات اجتماعی (مانند ترجیح هویت جمعی به هویت فردی، احترام‌گذاردن به حقوق دیگران، و کمک به وحدت جامعه) (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴). در واقع، آنچه مستقیم و غیرمستقیم ملاک عمل و معیار اصلی تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها و به‌طور خلاصه مبنا و انگیزه جملگی فعالیت‌های انسان است پاسخ‌گویی به نیازهای انسان است. طبیعی است که تعریف و طبقه‌بندی نیازها و سلسله‌مراتب و اهمیت آن‌ها بسته به جهان‌بینی و فرهنگ هر جامعه در تغییر است (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳). حیات انسان در ابعاد مختلفی قابل بررسی است که هر بُعد نیز نیازهای خاص خویش را داراست. به‌اجمال برای حیات انسان سه بُعد روحانی، جسمانی، و نفسانی قابل‌تصور است و به‌تناسب این سه ساحت حیات نیازهای انسان نیز تحت سه مقوله تقسیم می‌شود: ۱. نیازهای مادی یا فیزیولوژیک (مثل خوراک، پوشاک، و مسکن)؛ ۲. نیازهای نفسانی (مثل آزادی، حب ذات، و سایر نیازهای روانی)؛ ۳. نیازهای روحانی (مثل ارتباطات و جنبه‌های معنوی و مرتبط با ماوراءالطبیعه). تفکر اسلامی توجه هم‌زمان و توأمان به نیازهای انسان را توصیه می‌کند. مسکن نیز از نیازهای اولیه هر انسانی به‌شمار می‌رود که نباید صرفاً به‌عنوان سرپناه و فقط پاسخ‌گوی نیازهای مادی انسان مطرح نظر قرار گیرد، بلکه توجه به آن دسته از ویژگی‌های کیفی مسکن که تأمین‌کننده نیازهای روانی و معنوی انسان است نیز ضرورت دارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴). برخی صاحب‌نظران در خصوص الزامات مسکن امکان برقراری ارتباط‌های لازم برای زیست مطلوب انسان را بیان می‌کنند. در این پژوهش با در نظر گرفتن دیدگاه‌ها در ادبیات مغرب‌زمین به مسکن از بُعد فرهنگی پرداخته شده و با در نظر گرفتن مشابهت‌های فرهنگ اسلامی با سایر فرهنگ‌ها مبنای فکری آن این است که تأمین نیاز مسلمانان در شهر براساس سلسله‌مراتبی استوار است که زمینه شکل‌گیری ارتباط انسان با پیرامون و خود شده و درجه‌بندی نیازها و ارتباطات اساس شکل‌گیری تفکر فرهنگی به شهر و مسکن را می‌آفریند. ارزش‌های برگرفته از فرهنگ اسلامی و تجلی آن‌ها در محیط مسکونی را می‌توان در قالب زیر طبقه‌بندی کرد. بر این اساس «انسان چهار نوع رابطه دارد»: رابطه با خدا (مسجدمحوری)؛ رابطه با خود (درون‌گرایی)؛ رابطه با دیگران (محل‌محوری)؛ رابطه با طبیعت (طبیعت‌گرایی)؛ مسکن باید تأمین‌کننده مطلوب این چهار نوع رابطه باشد.

الف) مسجدمحوری^۱

مساجد به‌عنوان عاملی مهم در شهرهای اسلامی نقش‌های گوناگونی دارند. لکن به‌نظر می‌رسد نقش کلی مسجد ایجاد هماهنگی مسلمانان با دستورهای خداوند و هماهنگی در درون جامعه است. ساختمان‌های شناخته‌شده به‌عنوان مساجد با حضور اسلام در سراسر جهان مرتبط‌اند. در همه کشورهای اسلامی نقش مسجد به‌عنوان مهم‌ترین عنصر ساختار شهر بسیار حائز اهمیت است (قاسمی و مشکینی، ۱۳۹۱: ۴۰). واژه مسجد در قرآن بیست‌وهشت بار آمده است و صریحاً از مسجد به‌عنوان مکانی که انسان مسلمان در آن عبادت کرده و به‌وسیله آن ایمان به یگانگی خداوند را اظهار می‌کند نام برده شده است (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). مسجدمحوری را می‌توان در دو عرصه سازمان‌دهی فضایی و سیمای شهری موردتوجه قرار داد. نماهای یک شهر بخشی از سیمای کلی آن است که انتقال‌دهنده مفاهیم اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی، و بازتابنده هویت آن شهر هستند. در حوزه سامان‌دهی نیز مسجد یکی از کانون‌های اجتماعی و فضاهای شهری تعریف می‌شود (قاسمی و مشکینی، ۱۳۹۱: ۴۰). براساس شواهد تاریخی و مطالعات انجام‌شده، می‌توان گفت مساجد در شکل‌گیری کالبدی شهرهای اسلامی تأثیرگذار بوده و در ارتقای کیفیت محیط کالبدی این شهرها نیز نقش داشته‌اند. بخشی از تأثیرات کالبدی مساجد در کیفیت محیط عبارت‌اند از: هویت‌بخشی به محیط؛ تقویت نشاط و سرزندگی در محیط؛ ارتقای دسترسی به فضای شهری؛ و کمک به پایداری محیط.

همچنین، می‌توان گفت که مساجد در ارتقای ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شهرهای اسلامی تأثیرگذار بوده‌اند. بخشی از تأثیرات فرهنگی و اجتماعی مساجد در کیفیت محیط عبارت‌اند از: زمینه‌های مؤثر در تقویت انسجام اجتماعی؛ تقویت امنیت اجتماعی؛ مشارکت‌های مردمی (قاسمی و مشکینی، ۱۳۹۱: ۴۰). اصول مکان‌یابی مساجد براساس شریعت اسلام بر تناسب و برابری در توزیع مساجد شهری تأکید دارد. شریعت با ساختن مساجد در مجاورت یکدیگر مخالفت می‌کند. بنابراین، فاصله مساجد باید به‌طور یکسان و متناسب با تعداد جمعیت در «ساخت محیط» در نظر گرفته شود. قرآن کریم این محدودیت را در آیه ۱۰۷ سوره توبه این‌گونه بیان می‌کند: «آن مردم منافقی که مسجیدی برای زیان اسلام برپا کردند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلام بین مسلمین بود» (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۳۰). همچنین، استقرار مسجد در چند قدمی خانه‌ها (دسترسی آسان به مساجد) مورد تأکید است.

پیامبر(ص) تأکید می‌کردند که مسجد باید در مکانی قابل‌دسترس بنا شود تا مردم برای حضور در آن رغبت داشته باشند. احداث مساجد در فواصل قابل‌دسترسی (یعنی در فاصله ۱۵۰ تا ۲۰۰ متری) این امکان را برای ساکنان فراهم می‌آورد تا با شنیدن آشکار صدای مؤذن از ساعات ادای نماز آگاه شوند. پیامبر(ص) می‌فرمایند: «مسلمانی که صدای مؤذن را برای نماز می‌شنود بایستی در مسجد حضور یابد» (مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

ب) درون‌گرایی^۲

درون‌گرایی تداعی‌کننده ارتباط انسان با خود است. رابطه با خود را می‌توان به سکونت خصوصی از دیدگاه شولتز تعبیر کرد که در این شرایط فرصت بازنگری در درون و پناه‌بردن به خانه به‌منظور کسب آرامش درونی و احیای ذهن و تفکر در درون را فراهم می‌آورد که حجت از آن به‌عنوان خصلت جان‌افزای خانه یاد می‌کند (خاکپور، ۱۳۹۴: ۸). درون‌گرایی مفهومی است که به‌صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته است و با حضوری آشکار به صورت‌های متنوع قابل‌درک و مشاهده است. یکی از ویژگی‌های غیرقابل‌انکار آثار معماری و ابنیه گذشته همانند خانه، مسجد، مدرسه، کاروانسرا، و حمام را خصوصیت درون‌گرایانه آنان باید دانست که ریشه‌ای عمیق در مبانی و اصول اندیشه‌ای اجتماعی و

1. Mosque - oriented
2. Introspection

فرهنگی این سرزمین دارد (معماریان، ۱۳۸۴: ۳۴). مهم‌ترین مزایایی که رعایت این اصول در معماری گذشته ایجاد می‌کرد عبارت‌اند از: سازگاری و همزیستی اقلیمی؛ بهره‌مندی از آزادی فردی در حریم‌های خصوصی؛ افزایش امنیت اجتماعی؛ امکان طبیعت‌گرایی؛ زمینه‌سازی برای تعالی‌جویی معنوی؛ بسترسازی درون‌گرایی شخصیتی و خودیابی؛ عدم بروز تفاخرات اجتماعی و محلی؛ تحکیم و تقویت خانواده‌محوری. به‌نظر می‌رسد برای رسیدن به این ارزش‌ها راهی جز بازگشت به فرهنگ و جغرافیای خویشتن وجود ندارد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹). از مصادیق درون‌گرایی حفظ حریم خصوصی است. مفهوم حریم خصوصی را می‌توان از طریق بررسی چگونگی قراردادن فضاهای داخلی و خارجی و چگونگی منطقه‌بندی براساس سلسله‌مراتب تجسم و درک کرد. به‌طور کلی، در بیشتر موارد فضای واحدهای مسکونی را می‌توان به‌صورت زیر طبقه‌بندی کرد: الف) فضای خصوصی؛ منطقه‌ای که برای یک فرد یا افراد خاص در خانواده طراحی شده است و شامل اتاق‌هایی است، مانند اتاق خواب اصلی و اتاق کودکان؛ ب) منطقه نیمه‌خصوصی؛ که همه افراد خانواده از آن استفاده می‌کنند، مانند نشیمن، غذاخوری، و آشپزخانه؛ ج) منطقه عمومی که از آن عمدتاً برای پذیرایی مهمان استفاده می‌شود.

این فضا ممکن است شامل یک اتاق نشیمن رسمی یا یک اتاق غذاخوری رسمی باشد. همچنین، طرح‌بندی واحدهای مسکونی تحت تأثیر عواملی مانند وضعیت مالی خانوار، ارزش‌های فرهنگی و باورها، ترجیحات سبک زندگی، و ساختار خانواده است. به‌عنوان مثال، خانواده‌هایی با درآمد بالا دارای فضاهای گوناگون‌اند؛ در صورتی که خانواده‌های کم‌درآمد ممکن است مجبور به چند نوع استفاده از یک فضا باشند. علاوه بر این، در فرهنگ‌های محافظه‌کارانه نیاز به ارائه یک جدایی فیزیکی بین فضاهای عمومی و خصوصی به علت تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد که در نهایت به دو ورودی جداگانه منجر می‌شود. در خانواده‌های گسترده نیز لازم است چند فضا متناسب با هر مرحله زندگی با توجه به سن ساکنان ساخته شود (ایمان ن. تاما و همکاران، ۲۰۱۶: ۲). توجه به حریم خصوصی خانه شامل دو بخش است: حریم بصری و حریم صوتی (ضرغامی و سادات، ۱۳۹۶: ۵).

ج) طبیعت‌گرایی^۱

در فرهنگ لغات آکسفورد واژه «nature» به معنی کل جهان و همه مخلوقات به‌غیر از چیزهای ساخته دست بشر آمده است. واژه لاتین «nature» از ریشه «nat» به معنی «زادن و زاده‌شدن» گرفته شده است و این خود مفهوم کهن زاینده‌گری طبیعت و فرزندگی ما را تأیید می‌کند (استیونسون، ۲۰۱۰). طبیعت اولیه به مفهوم طبیعتی است که دست انسان آن را دگرگون نساخته و تبدیل به طبیعت ثانویه نکرده باشد. انسان با دستان خود طبیعت ثانویه را در درون جهان به‌وجود می‌آورد. باغ‌ها نیز طبیعت سوم‌اند، زیرا باغ‌ها بیان آگاهانه از طبیعت‌های اولیه و ثانویه و یا یک تفسیر هنری از مکانی خاص و برای مردمی خاص‌اند (رحیمیون، ۱۳۹۰: ۴). مسئولیت انسان در قبال محیط طبیعی همان‌گونه که در شریعت مورد تأکید قرار گرفته می‌توان در قالب دو اصل - بهره‌برداری از منابع طبیعی و حفاظت از تعادل طبیعی - بیان کرد:

بهره‌برداری از منابع طبیعی: براساس شریعت اسلامی، بهره‌برداری و استفاده پایدار از عناصر و منابع طبیعی حق همه انسان‌هاست. اسلام این حق را تا حدود مشخصی به‌عنوان یک تکلیف تلقی می‌کند. قرآن و سنت هر دو با امر کردن مسلمانان برای مثال به بازسازی زمین‌های متروکه و دوستدار طبیعت‌بودن بر این حق یا بهره‌مندی تأکید کرده‌اند. در حقیقت، قرآن این مسئله را روشن می‌کند که رابطه بین آدمی و طبیعت رابطه بهره‌برداری و توسعه است (مرتضی، ۱۳۸۷: ۸۲-۸۹).

حفاظت از تعادل طبیعی: هرچند اسلام خواستار بهره‌برداری مردم از محیط طبیعی برای رفع نیازهای زندگی است، آن‌ها را ملزم به حفظ آن نیز می‌کند. بسیاری از آیات قرآن و احادیث پیامبر بر مسلمانان امر می‌کنند که به گیاهان و حیوانات آسیب نرسانند یا از آن‌ها استفاده سوء نکنند. برای مثال، خداوند در آیه ۳۸ سوره انعام می‌فرماید: «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، مگر آنکه آن‌ها نیز گروه‌هایی مانند شما هستند.» به همین دلیل، پیامبر نه تنها آسیب‌رساندن به عناصر طبیعت، از جمله قطع درختان، را منع نموده‌اند، بلکه تذکر داده‌اند که بی‌تفاوت رفتار کردن در رابطه با چنین عملی نیز محکوم است (مرتضی، ۱۳۸۷: ۸۲-۸۶).

مطالعه شهرهای تاریخی مسلمین نشان می‌دهد، به‌رغم اینکه شهرها در مناطق گرم و خشک قرار داشتند، نظام‌دهی و شکل‌گیری آن‌ها در جهت ایجاد هماهنگی و تعادل بین محیط مصنوع، طبیعت، و نیازهای انسان بوده است و کوشش مسلمین با بهره‌گیری از قوانین طبیعی و شناخت ویژگی‌های عناصر طبیعی در ایجاد محیط‌های شهری هماهنگ، متعادل، و قابل زیست برای انسان بوده است (شکویی، ۱۳۶۵: ۱۹۸؛ قاسمی و مشکینی، ۱۳۹۱: ۴۶). به‌طور کلی، جهت‌گیری ساختمان‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که در تابستان تأثیر خورشید را به حداقل و در زمستان به حداکثر برساند. بنابراین، جهت‌گیری شمال و جنوب ترجیح داده می‌شود. چنان‌که بسیاری از خانه‌های سنتی ایران در جهت شمال و جنوب طراحی شده‌اند. همچنین، خانه‌های سنتی در ایران دارای حیاط‌خلوت بودند که تأمین‌کننده نور اتاق‌ها بود (سوفیایی و همکاران، ۲۰۱۷: ۷).

(د) محله‌محوری^۱

محله‌محوری نیز مبین وحدت کالبدی، فضایی، فرهنگی، دینی و مذهبی، و شغلی است. محله‌محوری مبین ارتباط انسان با هم‌نوعان خود است؛ انسان در رابطه با هم‌نوع خود باید بداند که موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی منشأ حقوق و تکالیف معینی است که انسان در زندگی اجتماعی با توجه به کرامت و مسئولیت خویش باید آن‌ها را رعایت کند تا زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۵۲). سه معیار اصلی مکان، منافع مشترک، و حس تعلق و وابستگی در تعریف و تبیین مفهوم محله نقش اساسی ایفا می‌کنند. معیار مکان در تبلور مفهوم محله و اجتماع محلی در مباحث برنامه‌ریزی شهری نقشی عمده دارد. این معیار به محدوده‌ای اشاره دارد که مردم داشته‌های مشترکی در آن دارند و می‌توانند این عناصر مشترک را به لحاظ جغرافیایی ادراک کنند. معیار منافع مشترک گویای آن است که افراد اجتماع محلی، به‌جز مکان، ویژگی‌ها و عناصری را به‌اشتراک می‌گذارند و براساس مؤلفه‌های مشترکی چون باورهای دینی، گرایش‌های اخلاقی و سیاسی، یا شغل گرد هم آمده و با یکدیگر مرتبط‌اند. حس تعلق و وابستگی می‌تواند به‌صورت حس تعلق به مکان یا وابستگی به گروه یا اندیشه‌ای خاص جلوه کند و در شکل پیشرفته خود موجب تعامل و همبستگی عمیق انسان‌ها با یکدیگر و نیز انسان با محیط زندگی خود شود (مشکینی، ۱۳۹۵: ۱۰). به‌طور کلی، ابعاد محله‌محوری را می‌توان به کالبدی، اجتماعی- فرهنگی، و زیست‌محیطی تقسیم‌بندی کرد که هرکدام از این ابعاد دارای معیارهای مخصوص به خود می‌باشند و در این مجال فقط معیارهایی بیان می‌شود که در این تحقیق به آن‌ها پرداخته خواهد شد:

بُعد کالبدی - فضایی: شامل معیارهای خوانایی و دسترسی است. **بُعد اجتماعی - فرهنگی:** شامل معیارهای سرزندگی، امنیت و ایمنی، و احساس تعلق مکانی است. **بُعد زیست‌محیطی:** شامل معیارهای فضای سبز محله‌ای، تراکم، و ظرفیت قابل تحمل محله و آلودگی‌های صوتی و هوا است (قاسمی و مشکینی، ۱۳۹۱: ۷۳).

جدول ۲. ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی خانه

ابعاد	ویژگی اجتماعی - فرهنگی
مسجدمحوری	مستقرشدن معادل با تقدیس است و خانه مقدس است. خانه جان‌افزا و محل اعتلای جان است. اگر هدف از ساخت مسکن ارتقا و کمال انسانی باشد، خدا نیز در این امر او را رهبری می‌کند. خانه نعمتی است الهی که انسان را باید به ذکر الهی سوق دهد. خانه حاوی جریان روح زندگی است. خانه بهترین مکان در جهان از نظر پیامبر است. خانه مسلمان حرم اوست.
درون‌گرایی	خانه محل استقرار به معنای قرار یافتن انسان است. سکناگزینی یکی از اساسی‌ترین شروط انسان‌بودن است. خانه محل سکون و در تقابل با حرکت است. خانه محل سکونت خصوصی و آرامش درونی است. تفکیک زندگی خصوصی و عمومی از خصوصیات خانه است. رعایت حجاب و پوشیدگی از شرایط اصلی خانه است. و الله جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بَيْوتِكُمْ سَكَنًا (نحل: ۸۰). خانه تحقق محیط آرمانی است. به رسمیت شناختن حریم خصوصی هر فرد از تعدی و تجاوز در اسلام. خانه مکانی است برای استراحت آدمی و آرامش ذهن. خانه سکونت خصوصی را سامان می‌بخشد. خانه محلی برای کسب خلوت روزانه است. سکونت پناه‌آوردن و خانه پناه‌دهنده است. خانه مکانی برای آسایش است. خانه انسان را از بیرون به درون دعوت می‌کند. خانه مکانی برای آرامش است. خانه مأمّن و محل خلوت است. حافظ حریم و قلمرو است. حجب و پوشیدگی خانه مسلمان، از ویژگی‌های شهر اسلامی است. سکناگزیدن به معنای در آرامش قرار گرفتن است. خانه مسلمان مکانی است درون‌گرا که تأمین‌کننده طمأنینه خاطر، آرامش، و آسایش است. خانه محلی است برای کسب خلوت روزانه به منظور بازگشت به خود و ارتباط با خویش.
محلهمحوری	مسکن علاوه بر نیازهای فردی باید قادر به فرآورده ساختن نیازهای اجتماعی باشد. خانه اسلامی خانه‌ای است که بستر ساز تکامل اخلاقی و اعتقادی انسان باشد. خانه تداوم‌بخش شیوه زندگی است. خانه در اسلام به عنوان جایگاه تقویت روابط خانوادگی و تعامل اجتماعی مستحکم قلمداد می‌شود.
طبیعت‌گرایی	توجه به طبیعت و عناصر طبیعی و ایجاد ارتباط مناسب انسان با آن‌ها یکی از اصلی‌ترین شرایط و ویژگی‌های مسکن مطلوب است. مسکن در ایران دارای دو بُعد مهم است: اول سازگاری با طبیعت؛ دوم بُعد معنوی الهی و روانی ساکنان. خانه مسلمان تابع اصل لاضرر و لاضرار است.

منبع: نگارندگان

سیاست‌های کلی نظام و ابعاد آن

سیاست‌های کلی نظام حاوی چارچوب و مبنای جهت‌گیری کلی کشور در همه عرصه‌های حکومتی است که به موجب بند اول از اصل یک‌صد و دهم قانون اساسی تعیین می‌شود. همچون حلقه پیوندی بین اصول و اهداف نظام با وظایف دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی نقش ایفا می‌نماید. هدف اصلی این سیاست‌ها ایجاد و انضباط در کشور معرفی شده که مشخص‌کننده هندسه کلی نظام خواهد بود. یکی از بخش‌های موردتوجه این سیاست‌ها برنامه‌ریزی شهری و ذیل آن ساخت محیط مسکونی است. بنابراین، هدف از این پژوهش ارزیابی میزان تحقق سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری به عنوان یکی از سیاست‌های کلی نظام در این بخش بر اساس ادبیات نظری پژوهش است که در ابعاد ذیل بررسی می‌شود:

بُعد تدوین قوانین و مقررات

تجلی ارزش‌های فرهنگی در ساخت محیط مسکونی نیازمند تدوین ضوابط و مقررات مرتبط است. در واقع، می‌توان گفت پیش‌شرط اعمال ارزش‌های فرهنگی در ساخت مسکن تدوین ضوابط و مقررات موردنیاز است. در این پژوهش تدوین قوانین و مقررات شامل قانون اساسی، مصوبات مجلس شورای اسلامی در این زمینه، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، مصوبات وزارت راه و شهرسازی، مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری، مصوبات شورای اسلامی شهر، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و طرح جامع و تفصیلی شهری است.

بُعد اجرای قوانین و مقررات

اعمال ضوابط و مقررات ارزش‌های فرهنگی مسکن در ساخت محیط مسکونی سبب هویت‌بخشی، آرامش، امنیت، سرزندگی، و ... می‌شود. ارزیابی اجرای قوانین و مقررات در این پژوهش به معنای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی همچون وزارت راه و شهرسازی، وزارت کشور و شهرداری تهران در زمینه چهار شاخص ارزش‌های فرهنگی مسکن یعنی مسجدمحوری، درون‌گرایی، طبیعت‌گرایی، و محله‌محوری است.

بُعد نظارت بر اجرای قوانین و مقررات

لزوم نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها از منظر حقوقی امری مسلم است، زیرا بند دوم اصل یکصد و دهم قانون اساسی به لزوم وجود نظارت بر احسن اجرای این سیاست‌ها تأکید کرده و آن را نیز بر عهده مقام معظم رهبری دانسته است. این وظیفه که مشخص‌سازنده ماهیت الزامی سیاست‌هاست و اهمیت اجرایی‌شدن سیاست را از منظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی روشن می‌سازد، مطابق ذیل اصل یکصد و دهم به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار شده است. در این پژوهش، به‌منظور ارزیابی سیاست کلی نظام (سیاست ارزش‌های فرهنگی در مسکن شهری) در بُعد نظارت بر اجرای قوانین و مقررات، عملکرد دستگاه‌هایی همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای اسلامی شهر ارزیابی خواهد شد.

ارزیابی سیاست کلی ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری در ابعاد فوق با استفاده از گویه‌های چهار شاخص ارزش‌های فرهنگی مسکن (مسجدمحوری، درون‌گرایی، محله‌محوری، و طبیعت‌گرایی) صورت گرفت و در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۳. گویه‌های ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری

مفهوم	بُعد	شاخص	گویه
مسجدمحوری			توجه به مرکزیت مساجد در طرح‌های جامع، تفصیلی، و هادی شهری، مسجد به‌عنوان مکانی با کارکردهای آموزشی، دینی و مذهبی، اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و فرهنگی
			در طرح‌های معماری و شهرسازی عوامل کالبدی نظیر گنبد، مناره، صحن، نوع تزیینات به‌کاررفته در نماهای بیرونی و درونی و تعبیه دست‌یابی‌های متعدد و توجه به عوامل کالبدی همچون صحن، حیاط، و استفاده از عوامل آب در ساخت مساجد منظور شده است.
			لحاظ‌نمودن دسترسی مسجد به واحدهای مسکونی برای صرفه‌جویی زمان و هزینه، توزیع مناسب مسجد در محلات، مراعات سادگی در احداث مساجد، و نهایتاً مسجدمحوری در طرح‌های شهری
ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری	تدوین قوانین و مقررات - اجرا و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات	درون‌گرایی	در برنامه‌های اجتماعی افزایش تعاملات اجتماعی بین افراد و اشتراک مساعی آحاد مردم در انجام‌دادن فعالیت‌های مساجد (حضور در آیین‌های مذهبی و اجتماعی، کمک مالی، انجام‌دادن بخشی از امور مسجد) منظور شده است.
			تفکیک فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی، و خصوصی از هم در طراحی مطالعات شهری
			تدوین، اجرا، و نظارت بر اجرای ضوابط و مقررات در زمینه مشرف‌نبودن خانه‌های احداث‌شده در محل نسبت به خانه همسایگان، اشراف‌داشتن پنجره‌های نصب‌شده به حیاط و داخل خانه‌ها، عدم مزاحمت‌های بصری همسایگان به هنگام بهره‌مندی از آفتاب و باد، بهره‌برداری نیمه‌خصوصی از بالکن خانه‌ها بدون مزاحمت و اشراف
تدوین ضوابط و مقررات، اجرا و نظارت بر اجرای ضوابط و مقررات، اجرا و نظارت بر اجرای ضوابط و مقررات	تدوین قوانین و مقررات	تدوین قوانین و مقررات	تدوین، اجرا، و نظارت بر اجرای ضوابط و مقررات در زمینه جلوگیری از نفوذ صدای ساکنان به‌وسیله محل قرارگیری دیوارها، مصالح متراکم، ضخامت دیوارها، عایق‌بندی صوتی با استانداردهای قابل قبول
			تدوین ضوابط و مقررات، اجرا و نظارت بر اجرا در زمینه دیده‌نشدن درون خانه به‌محض بازشدن در خانه، رعایت حریم و فاصله مطلوب بین ورودی خانه‌ها
			استفاده از آب در مجموعه‌های مسکونی و واحدهای مسکونی، وجود آب‌نما یا فواره در فضاهای عمومی شهر، بهره‌مندی کافی اتاق‌های خانه از نور و روشنایی
طبیعت‌گرایی			مکان‌یابی پارک و فضاهای باز طبیعی در نزدیکی محله در طرح‌های شهری
			بهره‌مندی از تهویه طبیعی در منزل مسکونی، طراحی متناسب با اقلیم مساکن در طرح‌های شهری، وجود فضای سبز در فضای باز واحدهای مسکونی
			توجه به دید به چشم‌اندازهای طبیعی (کوه، درختان، آسمان و ...) و فضاهای شهری در کلیه طرح‌های شهری
رعایت سلسله‌مراتب فضاها و پارک‌های شهری از پارک کودک تا پارک‌های فراشهری در کلیه طرح‌های شهری و مطالعات تخصصی فضای سبز شهری، ایجاد و حفاظت کمربند سبز طبیعی در پیرامون شهرها			طراحی شبکه فاضلاب شهری یکپارچه، محفوظ‌بودن منابع آب زیرزمینی و روزمینی نسبت به آلودگی‌های محیطی، آلودگی صوتی و هوا در طرح‌های شهری، و مطالعات بخشی آب و فاضلاب
			عدم مزاحمت ساختمان‌ها یا معابر شهری برای دید نسبت به مناظر طبیعی (کوه، درختان، آسمان، و ...)، عدم تجاوز ساخت‌وسازها به سواحل دریاها و زیبایی‌های طبیعی

ادامه جدول ۳. گویه‌های ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری

مفهوم	بُعد	شاخص	گویه		
محلّه محوری			رعایت وحدت کالبدی، فضایی، فرهنگی، شنلی، دینی و مذهبی در تقسیمات کالبدی در طرح‌های شهری		
			توجه به وسعت و جمعیت مشخص محلّه در طرح‌های شهری، وجود نشانه‌های شاخص، پیداکردن نشانه، شناختن مرز محلّه توسط ساکنان، دسترسی آسان به خدمات محلّه‌ای		
			وجود مراکز خرید و گذران اوقات فراغت، وجود مکان‌های فرهنگی و ورزشی، وجود محلّه بازی برای کودکان، وجود فضا برای برگزاری مراسم در طرح‌های شهری		
			طراحی مناسب و امنیت ساکنان در کلیه ساعات شبانه‌روز در جهت اعتمادسازی اهالی محل		
			برنامه‌های اجتماعی در جهت تثبیت ساکنان محلّه، همکاری در جهت رفع مشکلات محلّه، مراودات اجتماعی		
			دسترسی آسان به پارک و فضای سبز در محل، تجهیزات مناسب پارک‌های محل، کافی‌بودن تعداد پارک و فضای سبز در محل		
			توان محلّه در ارائه خدمات شهری، ظرفیت تأسیسات زیربنایی و شبکه ارتباطی در طرح‌های شهری		
			تدوین ضوابط کنترل میزان سروصدا و آلودگی (هوا، صوتی، و بصری) در طرح‌های شهری		

منبع: نگارندگان

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات موردنیاز به صورت اسنادی و از طریق اطلاعات کتابخانه‌ای (کتاب، پایان‌نامه، و مقالات داخلی و خارجی) و همچنین اطلاعات و آمارهای رسمی شهرداری و وزارت راه و شهرسازی، شورای عالی شهرسازی و معماری، مصوبات مجلس شورای اسلامی، و طرح جامع و تفصیلی شهری جمع‌آوری شده است. این پژوهش با هدف ارزیابی میزان تحقق یکی از سیاست‌های کلی نظام در بخش مسکن (سیاست ارزش‌های فرهنگی در مسکن شهری) در سه بُعد تدوین قوانین و مقررات، اجرا، و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات انجام شده است. روش تحقیق این پژوهش به دو قسمت مجزا تقسیم می‌شود: در بخش اول اطلاعات اسنادی درباره ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری، شاخص‌های ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری، و الزامات قانونی ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری از منابع معتبر داخلی و خارجی استخراج شد؛ و در بخش دوم براس پشتیبانی از تحلیل اسنادی آرای سی نفر از متخصصان با استفاده از نمونه‌گیری قضاوتی و به کمک ابزار پرسش‌نامه اخذ شد. برای تعیین اعتماد یا پایایی، با انجام‌دادن پیش‌آزمون و تکمیل آن در نمونه‌ای مقدماتی به حجم ۱۰ نفر، با انجام‌دادن آلفای کرونباخ به اصلاح نهایی گویه‌ها اقدام شد. آلفای به دست آمده ۰,۷۶ است که نشان‌دهنده همبستگی درونی گویه‌هاست. تجزیه و تحلیل و سنجش شاخص‌ها نیز با به‌کارگیری روش‌های آماری نظیر توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار، و آزمون‌های آماری کولموگروف-اسمیرنوف (برای نرمال‌سازی توزیع داده‌ها) و آزمون T تک‌نمونه‌ای انجام گرفته است.

بحث و یافته‌ها

یافته‌های اسنادی

الف) تدوین قوانین و مقررات مرتبط با سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری

تحقق سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری نیازمند تدوین ضوابط و مقررات مناسب است. مطالعات اسنادی این پژوهش در زمینه تدوین قوانین و مقررات سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری شامل مصوبات وزارت راه و شهرسازی، مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری، قوانین و مقررات مجلس شورای اسلامی، مصوبات برنامه‌های پنج‌ساله توسعه (برنامه سوم، چهارم، و پنجم بعد از انقلاب)، طرح جامع شهری، و طرح تفصیلی شهری است؛ اما بیشترین نقش را در زمینه تدوین قوانین و مقررات این سیاست شورای عالی شهرسازی و معماری برعهده دارد. نتایج مطالعات انجام‌شده در زمینه ارزیابی بُعد تدوین قوانین و مقررات سیاست کلی ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری حاکی از آن است که این بُعد از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است. در جدول ۴ قوانین و مقررات و مصوبات صورت‌گرفته در بُعد تدوین قوانین و مقررات سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن ارائه شده است.

جدول ۴. فهرست اقدامات تقنینی در خصوص سیاست کلی ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری

ردیف	مصوبات و اقدامات	مرجع
۱	اولین مصوبه شورای عالی شهرسازی پس از انقلاب که با عنوان «توجه به ارزش‌های اسلامی در شهرسازی» مورخ ۱۳۷۵/۷/۲ است.	
۲	مصوبه ۸۷/۵/۷ با موضوع «ضوابط و مکان‌یابی مساجد در طرح‌های توسعه شهری و روستایی» که به محوریت مساجد در تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی پرداخته است.	
۳	اخذ مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ از ش. ش. م. در خصوص ضوابط و شاخص‌های لازم برای بازیابی معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی	شورای عالی شهرسازی و معماری
۴	اخذ مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۳ از ش. ش. م. در خصوص سند جامع ارتقای کیفی سیما و منظر شهری	
۵	مصوبه ۱۳۹۲/۳/۶ ضوابط مربوط به «احداث نمازخانه در اماکن تجاری و خدماتی»	
۶	مستندسازی بناهای مسکونی واجد ارزش با رویکرد استخراج آموزه‌های معماری بومی و کاربرد آن	
۷	تدوین ضوابط و راهکارهای اجرایی احیای واحدهای همسایگی محلات براساس دانش بومی و معماری	
۸	ماده ۲- قانون حمایت از احیا، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری - مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۲ طرح‌های احیا، بهسازی و نوسازی را موظف می‌نماید که در چهارچوب طرح‌های توسعه شهری (اعم از جمع و تفصیلی) به‌منظور اجرای برنامه‌های احیا، بهسازی و نوسازی با رعایت اصول متکی بر ضوابط شهرسازی و معماری ایرانی - اسلامی و بومی هر منطقه تعیین شود.	
۹	ماده ۱۶- قانون حمایت از احیا، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری - مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۲ وزارت راه و شهرسازی (سازمان عمران و بهسازی شهری ایران) مکلف است با همکاری وزارت کشور، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور و شورای عالی استان‌ها به‌منظور جلب همکاری و مشارکت کلیه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در فرایند احیا، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد و در جهت راهبردی و مدیریت یکپارچه و ایجاد وحدت رویه کلیه عوامل مرتبط در سطح ملی و محلی و استفاده از امکانات و منابع موجود حداکثر ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون نسبت به تهیه و تدوین سند ملی راهبردی احیا، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری با رویکرد ضوابط شهرسازی و معماری ایرانی اسلامی اقدام و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه نماید.	مجلس شورای اسلامی
۱۰	هویت‌بخشی به سیما و کالبد شهرهای کشور و انطباق کلیه مشخصات ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی کشور با ویژگی‌های فرهنگ معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی (بومی) و رعایت اصول و ضوابط مربوطه در نامسازی و طراحی شهری و جلوگیری از تخریب ساختمان‌ها و نماهای بارزش در شهرها	برنامه سوم و چهارم و پنجم توسعه
۱۱	مطالعه سیر تحول الگوهای سکونت در بافت تاریخی (مرکز شهر) تهران، تحلیل و بررسی مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی، محیط‌زیستی، اقتصادی و مکانی آن‌ها و آسیب‌شناسی الگوهای موجود	
۱۲	طراحی الگوهای جای‌گزین سکونت با رویکرد ایرانی - اسلامی برای محدوده منتخب (تدوین دفترچه‌های راهنمای طراحی و شرایط تحقق)	برنامه چهارم توسعه
۱۳	تیین نظری الگوی سکونت ایرانی - اسلامی امروزی و ارائه شاخص‌ها و معیارهای اجتماعی، فرهنگی، محیط‌زیستی، اقتصادی، و مکانی آن در حوزه موردنظر	
۱۴	انتخاب محدوده مناسب به لحاظ اجتماعی و کالبدی برای طراحی الگوها	
۱۵	شناسایی اصول و ضوابط شکل‌گیری معماری ایرانی - اسلامی در شهرها و روستاهای کشور به‌منظور معرفی ویژگی‌های هنرهای معماری ایرانی - اسلامی از طریق انجام پژوهش‌های موردنیاز (ماده ۱۰۹)	
۱۶	شورای عالی شهرسازی و معماری موظف است به‌منظور تدوین و ترویج الگوهای معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی با تشکیل کارگروهی مرکب از نمایندگان دستگاه‌های ذی‌ربط و صاحب‌نظران و متخصصان رشته‌های معماری، شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری، و حوزوی نسبت به انجام پژوهش‌های کاربردی، سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و مقررات و ترویج الگوهای موردنظر اقدام نماید (ماده ۱۶۹ برنامه پنجم توسعه)	برنامه پنجم توسعه
۱۷	به‌منظور توسعه فضاهای مذهبی و بهره‌گیری بهینه از اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی اقدامات زیر انجام می‌شود:	
۱۸	الف) وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، و شهرداری‌ها موظف‌اند در طراحی و اجرای طرح‌های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرک‌ها و شهرهای جدیدالاحداث، اراضی مناسب برای احداث مساجد و خانه عالم در جوار مساجد جهت استفاده امام جماعت همان مسجد پیش‌بینی کنند و پس از آماده‌سازی بدون دریافت هزینه و با حفظ مالکیت عمومی در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند؛ ب) مالکان مجتمع‌های تجاری، اداری، و خدماتی جدیدالاحداث موظف‌اند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث نمایند؛ پ) سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و شهرداری‌ها موظف‌اند نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در بوستان‌های ملی و بوستان‌های شهری اقدام کنند؛ ت) کلیه دستگاه‌های اجرایی، مراکز آموزشی، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، مجموعه‌های ورزشی، مجتمع‌های رفاهی، تفریحی و مجتمع‌های تجاری اعم از دولتی یا غیردولتی موظف‌اند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام نمایند؛ ث) وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و نفت موظف‌اند تمهیدات و اقدامات لازم را جهت احداث مسجد و نمازخانه در پایانه‌های مسافربری و جایگاه‌های عرضه سوخت بین‌شهری و همچنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه‌های مذکور از طریق بخش غیردولتی به عمل آورند؛ ج) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است به‌منظور ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، با رعایت موازین اسلامی ترتیبی اتخاذ نماید تا کلیه مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت از کانون‌های فرهنگی و هنری بر اساس بودجه سنواتی برخوردار گردند (ماده ۹۵)	
۱۹	الف) سامان‌دهی و ارتقای هویت سیما و منظر شهری (طراحی شهری) تهران در جهت احیای معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی ب) احیای معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی در هرگونه تحولات و مداخلات کالبدی شهر ج) سامان‌دهی، توسعه، و تجهیز مساجد به‌عنوان بارزترین نشانه هویتی در کلیه سطوح از مقیاس محله تا شهر (طرح جامع شهر تهران)	طرح جامع شهری
۲۰	طرح تفصیلی اصفهان، ضوابط و مقررات شهرسازی و ساختمانی، ضوابط و مقررات سایه‌اندازی، استقرار بنا و مشرفیت ب) طرح تفصیلی اصفهان، ضوابط و مقررات شهرسازی و ساختمانی، ضوابط و مقررات فضاهای نورگیری، بارشوها و تهویه ج) طرح تفصیلی اصفهان، ضوابط و مقررات شهرسازی و ساختمانی، ضوابط و مقررات ارتفاعی و احداث بنا د) طرح تفصیلی اصفهان، ضوابط و مقررات شهرسازی و ساختمانی، ضوابط و مقررات دسترسی و گذراندی و مادی‌ها ه) طرح تفصیلی اصفهان، ضوابط و مقررات شهرسازی و ساختمانی، ضوابط و مقررات نامسازی (طرح تفصیلی شهر اصفهان)	طرح تفصیلی شهری
۲۱		

منبع: نگارندگان

ب) اجرای قوانین و مقررات مرتبط با سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری^۱

اعمال ضوابط و مقررات ارزش‌های فرهنگی مسکن در ساخت محیط مسکونی سبب هویت‌بخشی، آرامش، امنیت، سرزندگی، و ... می‌شود. مسئولیت اجرای این سیاست ترکیبی است از وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی، وزارت ارشاد اسلامی، شهرداری‌ها و حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی در این سیاست. اما بیشترین نقش اجرایی این سیاست بر عهده شهرداری، وزارت راه و شهرسازی، و نظام مهندسی است. برای ارزیابی تفصیلی این سیاست در بُعد اجرا از شاخص ترویج و مدل‌سازی الگوهای ساخت منطبق با هویت فرهنگی - مذهبی ایرانی نسبت به سال پایه استفاده شد. در رابطه با اجرای این سیاست گزارش مستندی دریافت نشده است. بنابراین، به نظر می‌رسد وضعیت اجرایی سیاست نامطلوب است، چون هیچ‌گونه گزارشی از چگونگی تصویب این اصول و به‌کارگیری آن در طراحی از طرف نهادهای اجرایی (وزارت راه و شهرسازی - وزارت کشور) منتشر نشده و در گزارش‌های ارسالی به چشم نمی‌خورد. از طرفی، گزارش‌های ارسالی هیچ‌کدام منطبق با سؤالات و شاخص‌های درخواستی نبوده و عملاً دستگاه‌های اجرایی فقط به ارسال گزارش عملکرد خود اکتفا کرده‌اند. گزارش‌های ارسالی دو نهاد وزارت راه و شهرسازی (شرکت مادر تخصص عمران و بهسازی شهری) و شهرداری تهران (معاونت شهرسازی و شرکت نوسازی و عمران) از حیث محتوایی با سیاست ارزش‌های فرهنگی مرتبط بوده‌اند. با توجه به اینکه هیچ‌کدام از عوامل مدیریتی ملی و محلی وضعیت شاخص‌های ارزیابی سیاست کلی ارزش‌های فرهنگی را در گزارش‌های ارسالی خود اعلام نکرده‌اند، به نظر می‌رسد جایگاه و کارکرد این سیاست‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی کشور مشخص نیست. به‌عبارت‌دیگر، این سیاست‌ها در سرلوحه برنامه‌های اجرایی حوزه مدیریت شهری کشور قرار نگرفته و تعقیب نمی‌شود. بنابراین، وضعیت اجرایی این سیاست نامطلوب ارزیابی می‌شود.

ج) نظارت بر اجرای قوانین و مقررات مرتبط با سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری

لزوم نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها از منظر حقوقی امری مسلم است، زیرا بند دوم اصل یکصد و دهم قانون اساسی به لزوم وجود نظارت بر احسن اجرای این سیاست‌ها تأکید کرده است. این وظیفه که مشخص‌کننده ماهیت الزامی سیاست‌هاست و اهمیت اجرایی‌شدن سیاست را از منظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی روشن می‌کند مطابق ذیل اصل یکصد و دهم به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار شده است. در این پژوهش به‌منظور ارزیابی سیاست کلی نظام (سیاست ارزش‌های فرهنگی در مسکن شهری) در بُعد نظارت بر اجرای قوانین و مقررات عملکرد دستگاه‌هایی همچون وزارت راه و شهرسازی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، شوراهای اسلامی شهر، و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارزیابی شد. در زمینه ارزیابی دستگاه‌های ناظر سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری مطالعاتی صورت نگرفته، اما به نظر می‌رسد علت اصلی نارسایی‌های اجرایی سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری فقدان استقرار نظام کارآمد، پایش مستمر این سیاست‌ها از آغاز تا تصویب آن‌ها برای نظارت، کنترل، اخذ بازخوردها، کشف آسیب‌ها، بازنگری‌ها و اصلاحات و تدوین و انتشار گزارش‌های دوره‌ای وضعیت اجرایی آن‌هاست.

یافته‌های میدانی پژوهش

برای ارزیابی میزان تحقق سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری، علاوه بر مطالعات اسنادی، برای پشتیبانی امر از مطالعات میدانی استفاده شد. با توجه به اینکه در پرسش‌نامه از طیف پنج‌ارزشی لیکرت استفاده شده بود، در تحلیل آماری

۱. اطلاعات آماری اسنادی این مقاله در بُعد اجرا و نظارت بر اساس اطلاعات درخواستی کمیته مدیریت محلی و شوراهای مجمع تشخیص مصلحت نظام از دستگاه‌های اجرایی بوده است.

نیز از پنج ارزش داده شد (عدد ۱ خیلی کم، عدد ۲ کم، عدد ۳ متوسط، عدد ۴ زیاد، عدد ۵ خیلی زیاد). برای انجام دادن آزمون T تک‌نمونه‌ای عدد ۳ به‌عنوان حد متوسط ((test value) در نظر گرفته شد. نتیجه آزمون T تک‌نمونه‌ای در ابعاد قانون‌گذاری، اجرا، و نظارت بر اجرای سیاست ارزش‌های فرهنگی به شرح ذیل است:

جدول ۵. میزان تحقق ابعاد سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری از دیدگاه کارشناسان و متخصصان				
بُعد	امتیاز حد متوسط	میانگین وضع موجود	اختلاف میانگین	سطح معناداری
تدوین قوانین و مقررات	۳	۳٫۵۹	۰٫۵۹	۰٫۰۰
اجرای قوانین	۳	۲٫۸۰	۰٫۲۰	۰٫۰۳
نظارت بر اجرای قوانین	۳	۲٫۱۱	۰٫۸۸	۰٫۰۰

منبع: نگارندگان

طبق جدول ۵، آزمون T تک‌نمونه‌ای میانگین ۳٫۵۹ را برای بُعد تدوین قوانین و مقررات سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری نشان می‌دهد که نسبت به امتیاز حد متوسط ۰٫۵۹ بالاتر است. از آنجا که سطح معناداری کمتر از آلفای ۰٫۰۵ است، می‌توان این اختلاف را معنادار دانست و چنین نتیجه‌گیری کرد که این بُعد از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است؛ اما در بُعد اجرایی و نظارتی سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری میانگین به‌ترتیب ۲٫۸۰ و ۲٫۱۱ است که نسبت به امتیاز حد متوسط (عدد ۳) به‌ترتیب ۰٫۲۰ و ۰٫۸۸ پایین‌تر است که با توجه به سطح معناداری کمتر از آلفای ۰٫۰۵ می‌توان این اختلاف را معنادار دانست و نتیجه گرفت که سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری در ابعاد اجرایی و نظارتی وضعیت نامطلوبی دارد. از آنجا که بیشترین اختلاف میانگین با حد متوسط مربوط به بُعد نظارت بر اجرای قوانین و مقررات کلی ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری است، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که بُعد نظارتی سیاست کلی نظام در زمینه ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری موردتوجه جدی قرار نگرفته و در سطح پایینی اجرا شده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد میزان تحقق سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری در ابعاد تدوین قوانین و مقررات، اجرا، و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات ارزیابی شود. برای ارزیابی سیاست ارزش‌های فرهنگی اطلاعات موردنیاز به‌صورت اسنادی و از طریق اطلاعات کتابخانه‌ای (کتاب، پایان‌نامه، و مقالات داخلی و خارجی) و همچنین اطلاعات و آمارهای رسمی شهرداری، وزارت راه و شهرسازی و شورای عالی شهرسازی و معماری جمع‌آوری شد. برای پشتیبانی از تحلیل اسنادی، آرای سی نفر از متخصصان در زمینه ارزیابی سیاست یادشده به کمک ابزار پرسشنامه اخذ شد. برای ارزیابی میزان تحقق سیاست فوق از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. مقایسه حد متوسط ابعاد موردبررسی با میانگین وضع موجود از دیدگاه متخصصان بیانگر آن بود که میزان وضع موجود بُعد تدوین قوانین و مقررات ۰٫۵۸ بالاتر از حد متوسط، بُعد اجرایی ۰٫۲۰ کمتر از حد متوسط، و بُعد نظارت بر اجرا ۰٫۸۸ کمتر از حد متوسط بوده است. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان ادعان کرد که بُعد تقنینی سیاست ارزش‌های فرهنگی مسکن شهری از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است، اما بُعد اجرا و نظارت بر اجرا چندان موردتوجه دستگاه‌های مربوطه قرار نگرفته و وضعیت این دو بُعد نامطلوب بوده است. مطالعات اسنادی و میدانی حاکی از این مسئله است که هماهنگی مشخصی بین تقنین و اجرا و نظارت وجود ندارد. این مسئله چند زمینه مطالعاتی را مشخص می‌کند. به‌نظر می‌رسد هماهنگی لازم بین سه بُعد وجود ندارد. قوانین و

مصوبات در اجرا با مشکل برخورد می‌کند و لاجرم نظارتی هم بر اجرا شکل نمی‌گیرد. این پژوهش استنتاج خود را بر اساس زیر قرار می‌دهد:

- ضرورت بازنگری در متن سیاست‌های کلی در دوره ده‌ساله براساس نیازهای روز؛
- ضرورت شکل‌گیری مدیریت پایش سیاست‌های کلی نظام از مرحله تدوین قوانین تا اجرا؛ که ضرورت دارد در بودجه‌های سنواتی و برنامه‌های پنج‌ساله انطباق با سیاست کلی نظام در متن هر ابلاغیه‌ای آورده شود؛
- تهیه برنامه‌های آموزشی چشم‌انداز برای مدیران در سطح عالی تا میانی برای بسط تفکر اعتقاد به چشم‌انداز در اجرا؛
- ارزیابی برنامه دستگاه‌ها براساس سیاست‌های کلی نظام؛
- مشخص کردن شاخص‌های ارزیابی سیاست در برنامه‌های سه قوه و تسریع آن به دستگاه‌های زیرمجموعه هر قوه توسط نهاد پایش سیاست‌های کلی نظام.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی؛ ونوس، داور و کرمی، مسعود، ۱۳۸۸، فراتحلیل ارزش‌های فرهنگی در ایران، پژوهش‌نامه جامعه‌شناسی جوانان، سال اول، شماره اول.
۲. الیاده، میچا، ۱۳۸۷، مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله زنگویی، چ ۲، تهران: سروش.
۳. اخوت، هانی؛ بمانیان، محمدرضا و انصاری، مجتبی، ۱۳۹۰، بازشناسی مفاهیم معنوی «سکونت» در مسکن سنتی اقلیم کویری، فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، دوره ۲، شماره ۵، ص ۹۵-۱۰۲.
۴. امین‌پور، احمد؛ مدنی، رامین؛ حیاتی، حامد و دلداده، محمدعلی، ۱۳۹۴، بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت بر اساس آموزه‌های اسلامی، فصل‌نامه مدیریت شهری، شماره ۴۰.
۵. بوربور حسین‌بیگی، مریم، ۱۳۸۳، بررسی رابطه اینترنت و شکاف ارزش‌ها در بین دو نسل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۶. پورجعفر، محمدرضا؛ پورجعفر، علی و صفدری، سیما، ۱۳۹۴، انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی-اسلامی، فصل‌نامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال سوم، شماره سوم.
۷. پورمحمدی، محمدرضا، ۱۳۹۳، برنامه‌ریزی مسکن، چ ۱۲، تهران: سمت.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، انتظار بشر از دین، چ ۳، مرکز نشر اسرا.
۹. خاکپور، مژگان؛ انصاری، مجتبی؛ شیخ‌مهدی، علی و طاووسی، محمود، ۱۳۹۴، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مسکن بومی، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۹.
۱۰. رایاپورت، ایموس، ۱۳۶۶، منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۱. رایاپورت، ایموس، ۱۳۸۲، خاستگاه‌های فرهنگ معماری، ترجمه صدف آل رسول، افرابانک، فصلنامه فرهنگستان هنر.
۱۲. رحیمیون، علی‌اصغر، ۱۳۹۰، هویت‌بخشی به شهر از طریق بهره‌گیری از عناصر طبیعی، نشریه هویت شهر، شماره نهم، سال پنجم، صص ۹۳-۱۰۴.
۱۳. زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۸۲، تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی)، مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۸-۹۵.
۱۴. سازمان برنامه‌بودجه، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳، قانون برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. سازمان برنامه‌بودجه، ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، قانون برنامه چهارم توسعه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۱۷. سازمان برنامه‌بودجه، ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، قانون برنامه پنجم توسعه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

۱۸. سازمان برنامه‌بودجه، ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، *قانون برنامه ششم توسعه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*.
۱۹. سلطانی، محمدرضا، ۱۳۹۲، درآمدی بر شناسایی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن با تأکید بر برتری نیازهای معنوی در سلسله‌مراتب نیازها، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ششم، شماره ۲۱.
۲۰. سلطانی، نرگس و امانی لاریجانی، سحر، ۱۳۹۳، سنجش ارزش‌های محیطی فضاهاى عمومی شهری، با استفاده از روش‌های انتخابی تجربی و ارزیابی مشروط، نمونه موردی: مجموعه پارک کوهستانی صفا شهر اصفهان، مجله معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۳.
۲۱. سیفیان، محمدکاظم، ۱۳۷۳، *قاعده لاضرر و لاضرار و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳*.
۲۲. سیفیان، محمدکاظم و محمودی، محمدرضا، ۱۳۸۶، *محرمت در معماری سنتی ایران، نشریه هویت شهر، سال اول، شماره ۱، صص ۳-۱۴*.
۲۳. شولتز، کریستیان نوربرک، ۱۳۸۲، *معماری، معنا و مکان، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی تهران*.
۲۴. شکویی، حسین، ۱۳۶۵، *جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، انتشارات جهاد دانشگاهی*.
۲۵. صانعی، پرویز، ۱۳۷۲، *جامعه‌شناسی ارزش‌ها، تهران: گنج دانش*.
۲۶. ضرامی، اسماعیل و سادات، سیده اشرف، ۱۳۹۶، بررسی تطبیق شاخصه‌های مسکن ایرانی اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز، فصل‌نامه علمی - پژوهشی نقش جهان، شماره ۲-۶.
۲۷. شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۶، *طرح جامع شهر تهران*.
۲۸. طرح جامع شهر تهران، ۱۳۸۶، *شورای عالی شهرسازی و معماری ایران*.
۲۹. طرح تفصیلی شهر اصفهان، ضوابط و مقررات شهرسازی و ساختمانی (مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۹ کمیسیون ماده پنج).
۳۰. عمید، حسن، ۱۳۵۰، *فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر*.
۳۱. غلامی، علی و بهادری چهرمی، علی، ۱۳۹۲، *مفهوم، ماهیت، و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام، فصل‌نامه بررسی‌های حقوق عمومی، سال دوم، شماره اول، صص ۵۱-۷۲*.
۳۲. قاسمی، اکرم و مشکینی، ابوالفضل، ۱۳۹۱، *ارزیابی شهر جدید هشتگرد بر مبنای شاخصه‌های شهرسازی ایرانی اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*.
۳۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - اصول ۲۲، ۳۱، ۴۳.
۳۴. لینیچ، کوین، ۱۳۹۳، *تئوری شکل شهر، ترجمه سیدحسین بحرینی، چ ۳، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران*.
۳۵. مشکینی، ابوالفضل و رضایی مقدم، علی، ۱۳۹۳، *بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی - ایرانی، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، ۲۱ و ۲۲ آبان، مشهد مقدس*.
۳۶. مشکینی، ابوالفضل؛ تفکری، اکرم؛ خزائی، نساء و پرهیز، فریاد، ۱۳۸۷، *بررسی تأثیر اسلام در شهرهای اسلامی، اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*.
۳۷. مشکینی، ابوالفضل؛ حمزه‌نژاد، مهدی و قاسمی، اکرم، ۱۳۹۲، *مبانی جغرافیایی و فرهنگی درون‌گرایی و محرمیت در معماری و شهرسازی اسلامی (مطالعه موردی: بافت قدیم شهر اصفهان)، اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، ۲۸ شهریور*.
۳۸. مشکینی، ابوالفضل؛ قاسمی، اکرم و حمزه‌نژاد، مهدی، ۱۳۹۵، *ارزیابی شهر جدید هشتگرد بر مبنای اصول شهرسازی ایرانی - اسلامی، فصل‌نامه مطالعات ملی، سال هفدهم، شماره ۴*.
۳۹. معاریان، غلام‌حسین، ۱۳۸۴، *سیری در مبانی نظری معماری، تهران: سروش دانش*.
۴۰. مرتضی، هشام، ۱۳۸۷، *اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. چاپ اول، تهران مرکز مطالعات و تحقیقاتی معماری و شهرسازی*.
۴۱. ناظمی، سید فرشاد و مهدی‌زاده، محمدهادی، ۱۳۹۳، *طراحی مجتمع‌های مسکونی و فرهنگی با رویکرد احیای معماری سنتی در مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود*.

۴۲. نصیری، پرویز؛ اسماعیلی، رضا و ولی، انسیه، ۱۳۹۲، بررسی نقش معماری مسکن در حفظ ارزش‌های فرهنگی، دومین همایش بین‌المللی معماری و شهر پایدار.
۴۳. نقره‌کار، عبدالحمید و رئیس، محمدمنان، ۱۳۹۰، تحلیل نشانه‌شناختی سامانه مسکن ایرانی بر پایه ارتباط لایه‌های متن مسکن، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴۶.
۴۴. نقی‌زاده، محمد، ۱۳۹۰، ریشه‌های شهر اسلامی در متون اسلامی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۵۵.
۴۵. نقی‌زاده، محمد، ۱۳۹۱، تأملی در شناخت مبانی مسکن ایرانی-اسلامی، پایگاه مجلات تخصص نور، شماره ۱۷۰، آبان‌ماه.
۴۶. نقی‌زاده، محمد، ۱۳۹۵، مسکن اسلامی (مبانی نظری تا جلوه‌های عینی در گذشته و حال)، فصل‌نامه اندیشه معماری، سال دوم، شماره دوم.

47. Amid, Hassan, 1971, *Amid Culture*, Tehran: Amir Kabir .
48. Aminpour, Ahmad, Madani, Ramin; Hayati, Hamed and Deladah, Mohammad Ali, 2015, Recognition of Housing and Residence Concepts Based on Islamic teachings, *Urban Management Quarterly*, No. 40.
49. Ayman, N. Tomah; Haifa Bani Ismail and Amal Abed, 2016, The concept of privacy and its effects on residential layout and design: Amman as a case study, *Habitat International*, 53: 1e7.
50. Azadarmaki, Taghi; Venus, Davar and Karami, Massoud, 2009, The Transformation of Cultural Values in Iran, *Journal of Youth Sociology*, First Year, No. 1.
51. Borber Hossein Beigi, Maryam, 2004, *An Investigation of the Relationship Between the Internet and the Gap of Values Between Two Generations*, MSc Thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.
52. Constitution of the Islamic Republic of Iran, Principles 22, 31, 43.
53. Detailed plan of the city of Isfahan, regulations and regulations for urban planning and construction (approved on 2012/03/01 Commission Article 5).
54. Eliadeh, Miha, 2008, *Holy and Unholy*, Nasrallah Zangiyani Translation, Second Edition, Tehran: Soroush.
55. Ghasemi, Akram and Meshkini, Abolfazl, 2012, *Evaluation of Hashtgerd New Town Based on Iranian Indicators of Urban Planning*, Master's Thesis.
56. Gholami, Ali and Bahadori Jahromi, Ali, 2013, The concept, nature and monitoring of the implementation of general policies of the system, *Quarterly Journal of Public Law*, Second Year, No. 1, pp. 51-72.
57. Javadi Amoli, Abdullah, 2005, *Human Expectation from Religion*, Center for the Publishing of the Assyrians, Third Edition.
58. Khakpoor, Mojgan; Ansari, Mojtaba; Sheikh Mehdi, Ali and Tawousi, Mahmoud, 2015, Social and Cultural Properties of Indigenous Housing, *Journal of Housing and Rural Environment*, No. 149, Spring 1394.
59. Lu, D., 2012, Cultural Analysis of Housing and Space, *International Encyclopedia of Housing and Home*, pp. 296-299.
60. Lynch, Kevin, 2014, *City Theory*, Translator Seyed Hossein Bahreini, Third Edition, Tehran: Tehran University Press.
61. Martin, M., 1972, *Landscape, Man, Space, and Environment*, Oxford University Press.
62. Master Plan of Tehran, 2007, *High Council for Urban and Architecture of Iran*.
63. Meemaryan, Gholam Hossein, 2005, A passage on the theoretical foundations of architecture, Tehran: Soroush Danesh Publication.
64. Meshkini, Abolfazl and Rezaei Moghadam, Ali, 2014, Investigating the Components and Indices of Islamic City with Emphasis on the Role and Importance of Culture in the Realization of the Islamic-Iranian Urban Model, *Sixth National Conference on Urban Planning and Management, with emphasis on the components of Islamic city*, 21 and 22 November, Holy Moshdad.
65. Meshkini, Abolfazl; Ghasemi, Akram and Hamza Nejad, Mehdi, 2016, Evaluation of the New Town of Hashtgerd Based on the Principles of Iranian Islamic Planning, *National Journal of Nursing*, Vol. 17, No. 4.
66. Meshkini, Abolfazl; Hamza Nejad, Mehdi and Ghasemi, Akram, 2013, Geographical and Cultural Foundations of Inner Paradise and Confidentiality in Islamic Architecture and Urbanism (Case

- Study: The Old Texture of Isfahan) *The First National Conference on Architecture, Restoration, Urbanism and Sustainable Environment 28 th September*.
67. Meshkini, Abolfazl; Tafakkori, Akram; Khazaee, Nisaa and Parhiz, Farhad, 2008, The Impact of Islam in Islamic Cities, *The First International Congress of Culture and Religious Thought*.
 68. Moghimi, Vahid; Mahmud Bin Mohd Jusan and Izadpanahi, Payam, 2016, Iranian household values and perception with respect to housing attributes, *Habitat International*, 56: 74-83.
 69. Morteza, Hisham, 2008, *Traditional principles of construction in Islam*. Translated by Abolfazl Meshkini and Kiomars Habibi. First edition, Tehran Center for Architectural and Urban Studies and Research
 70. Naghizadeh, Mohammad, 2011, The Origins of Islamic City in Islamic Texts, *Art*, No. 155.
 71. Naghizadeh, Mohammad, 2016, Islamic Reserve (Theoretical Foundations to Present and Present Effects of the Past and Present), *Quarterly Journal of Architecture Thought*, Second Year, No. 2.
 72. Nagizadeh, Mohammad, 2012, A Reflection on Understanding the Basics of Iranian-Islamic Housing, *Journal of Lighting Specialties*, No. 17, November.
 73. Nasiri, Parviz; Esmaeili, Reza and Vali, Ensie, 2013, The Study of the Role of Housing Architecture in Maintaining Cultural Values, *The 2nd International Conference on Architecture and the Sustainable City*.
 74. Nazemi, Seyyed Farshad and Mahdizadeh, Mohammad Hadi, 2014, *Design of Residential and Cultural Complexes with the Approach of the Restoration of Traditional Architecture in Mashhad*, Master's Theses, Islamic Azad University, Shahrood Branch.
 75. Noghreh Kar, Abdolhamid and Raeesi, Mohammadmannan, 2011, The cognitive analysis of Iranian housing system based on the relationship between text / housing layers, *Beautiful arts, architecture and urban planning*, No. 46.
 76. Okhovvat, Haniye; Bomanian, Mohammad Reza and Ansari, Mojtaba, 2011, Recognition of the spiritual concepts of "habitation" in traditional desert climate, *Quarterly of Islamic-Iranian Studies*, Volume 2, Issue 5, pp. 95-102.
 77. Perspective Document 1404 of the Islamic Republic of Iran.
 78. Planet Budget Organization, 2000 to 2005, *Law of the Third Plan of Social, Economic and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran*.
 79. Planet Budget Organization, 2005 to 2009, *Law of the Fourth Program of Social, Economic and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran*.
 80. Planet Budget Organization, 2011 to 2015, *Law of the 4th Social, Economic, and Cultural Development Program of the Islamic Republic of Iran*.
 81. Planetary Organization, 2017 to 2021, *Law of the Sixth Program of Social, Economic and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran*.
 82. Pour Jafar, Mohammad Reza; Pour Jafar, Ali and Safdari, Sima, 2015, Types of Islamic cities and references to the way of indexing in the ideal Islamic city of Islam, *Quarterly Journal of Islamic Architecture*, Third Year, No. 8.
 83. Pourmohammadi, Mohammad Reza, 2014, *Housing Planning*, Twelfth Edition, Tehran: Samt.
 84. Rahimiyon, Ali Asghar, 2010, The identity of the city through the use of natural elements, *Urban Identity*, Vol. 5, No. 9, pp. 93-104.
 85. Rapoport, Imus, ۲۰۰۳, *The Origins of the Architectural Culture*, Translator of Oysted Al Rasool, Afra Bank, Journal of the Academy of Arts.
 86. Rappaport, Imus, 1987, *Cultural Origin of Biological Complexes*, Translator of Razieh Reza Zadeh, Tehran: University of Science and Technology University of Tehran.
 87. Sanei, P., 1993, *Sociology of Values*, Tehran: Treasure of Knowledge.
 88. Schultz, Christian Nurberek, 2003, *Architecture, Meaning and Location*, Tehran: Bookstore Publishing House of Tehran.
 89. Seyfian, Mohammad Kazem and Mahmoudi, Mohammad Reza, 2007, Confidentiality in traditional Iranian architecture, *Urban Identity*, Year 1, No. 1, pp. 3-14.
 90. Seyfian, Mohammad Kazem, 1994, Rule of Law and its Observance on the Principles of Islamic Architecture and Urbanism, *Fine Arts*, No. 3.
 91. Shakooi, Hossein, 1986, *City Social Geography, Social Ecology of the City*, Jahad University Press.

92. Sofiyayi, Farzaneh; Shokouhian, Mehdi and Zhu, Wenyi, 2017, Socio-environmental sustainability in traditional courtyard houses of Iran and China, *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 69: 1147-1169.
93. Soltani, Mohammad Reza, 2013, An Introduction to Identifying Human Needs from the Point of View of the Qur'an with a Greater Emphasis on the Spiritual Needs in the Haste of Needs, *Journal of Islamic Management*, Vol. 6, No. 21.
94. Stevenson, Angus ,2010. *Oxford dictionary of English*. New York, NY: Oxford University Press. ISBN 978-0-19-957112-3.
95. Sultani, Narges and Amani Larijani, Sahar, 2014, Measurement of environmental values of urban public spaces, using empirical selective methods and conditional evaluation, Case study: Sofah Mountain Park, Isfahan, *Urmanshahr Architecture & Urban Development Magazine*, No. 13.
96. Supreme Council for Urbanism and Architecture, 2007, *Tehran City Master Plan*.
97. Zarghami, Ismail, Sadat, Seyyedeh Ashraf, 2017 , A Study on the Adaptation of Iranian Indices of Housing Indices with Today's Apartment Apartment, *Royceh Jahan Journal*, No. 2-6.
98. Ziyari, Keramatollah, 2003, Impact of Culture on City Building, *Geography and Development Magazine*. V 1, N 2, pp. 108-95.